



مردپار

نشریه

اولین نشریه حوزه مهدویت دانشگاه اراک

هفته اول بهمن ماه ۱۴۰۰

شماره سی هفتم

سال دوم



انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن.

در این
شماره میخوانیم

محتاج نور
فروغ عالم تاب
سیاهی شب
حجت نور

...

محتاج نور

می شود خودت ما را سر به راه کنی.
ما را به راه خودت راهنمایی کن.
کوله باری پر از ناکامی و رنج داریم
خودت اوضاع را سامان بده و جهان را نجات.
ظالمان، ظلم را هر روز آشکارتر و بارزتر می کنند.
هر روز حق کشی و برادرکشی بیش تر می شود و ما که
نمی دانیم چرا و چطور در برابر شان بایستیم.
و سکوت هم یاد نگرفتیم و ظالم پروری را ننگ می دانیم،
سردرگم مانده ایم.
هوای ما را داشته باش ما بی شما، بی کس و بی پناه هستیم.
شاید منتظر واقعی نباشیم ولی تلاش
می کنیم و شما خیلی خوب از دل های ما خبر داری که این
روزها مدام دعای سلامتی ات را زمزمه کرده ایم و همگی عهد
کردیم دعای فرج اولین راز و نیاز ما باشد.
روزهای ظهور را آنقدر خوش و خرم می دانیم که تحمل کردن
سختی ها برایمان آسان می شود.
هیچ نداریم جز عشق و محبت، این عشق خریدار می خواهد...
ما شما را می خواهیم و عهد می بندیم پای قول هایمان بمانیم
و ایمانی استوار داشته باشیم.
ما برای این غیبت زیاد زخم چشیده ایم.
مرهم می خواهیم و اجابت...
دعای فرج را خودت ضمانت کن...

ما به امامی که از اوضاع و احوالمان با خبر باشد، دلخوشیم.
به آقایی که دعای خیرش بدرقه روزگار ناخوشی هاست،
دلگرمیم.
این روزها بیش از پیش غیبت طولانی تان بر دلمان سنگینی
می کند.
این روزها از نبود شما مظلوم ترین شده ایم، از ندیدنتان، از
بی خبری ها...
از کم کاری خودمان شرمنده ایم!
ولی کاش دیدارتان معجزه های شود، کاش بهتر بودیم و
خالصانه تر دعای فرج می خواندیم.
شاید زودتر تعجیل می شد...
اینک ای امام حی و حاضر، خودت فرج را طلب نما که بی قرار
گشته ایم.
آقایی که ندیده عاشقت هستیم و صدایت می زنیم، به برکت
خودتان و نام مبارکتان حال دل ما را با ظهور و آمدن خوش
کنید.
می دانم ما لایق نیستیم.
و ما باید شرایط را مهیا کنیم.
ولی اعتراف می کنم که بلد نیستیم.
نمی خواهیم غفلت کنیم.
شما را به خدا ما را ببخش و دعايمان كن؛
که دعای شما در حق ما به اجابت می رسد.
هوای ما را داشته باش.
دعای فرج، زمزمه لبها و ذکر همیشگی ما شده.
کاش فرجی شود و به زودی زود آمدنت محقق شود.
شما که بیایی جهان خوب تر از خوب می شود.
شما که بیایی عالم رنگ عدالت و خوشی می گیرد.
شما که بیایی ما قرار و آرامش می گیریم.
می شود بیایی!

لیا حاجی

آماده به فرمان

۴. آمادگی های فردی: حضرت مهدی علیه السلام زمانی ظهور می کند که یاران آماده ای داشته باشد زیرا او می خواهد جهانی عمل و اصلاح کند و حکومت جهانی قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است تا بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را به دوش بکشد. و این در درجه اول به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای پیاده کردن آن برنامه عظیم نیاز دارد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: امام زمان علیه السلام ظهور نمی کند، مگر آن که تعداد آنان به ده هزار نفر برسد. و شیخ حر عاملی می گوید: در روایت است که تعداد کامل سپاه امام زمان علیه السلام صد هزار نفر است.

۵. آمادگی نظامی: مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد، تا به هنگام طلوع طلایع حق، به صف پیکارگران رکاب مهدی علیه السلام بیوندد، و در آن نبرد بزرگ حق و باطل، حماسه آفریند و کمک رساند و امام صادق علیه السلام منتظران را فرا می خواند تا همواره نیرومند و مسلح باشند و دوره انتظار مهدی علیه السلام را با دست پر، به سر آورند: «باید هر یک از شما برای خروج قائم علیه السلام اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه».

در مجموع، هر نهضت و انقلابی در صورتی امکان پیروزی دارد که زمینه آن از هر جهت فراهم باشد و اوضاع و شرایط کاملاً آماده باشد یکی از شرایط مهم موفقیت این است که عموم ملت خواستار آن انقلاب باشند و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی آن مهیا باشد و قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز از این قاعده و قانون خارج نمی باشد و علاوه بر این به آمادگی های دیگری از جمله آمادگی فکری آمادگی تکنولوژی و ارتباطی و آمادگی نظامی نیز نیاز می باشد. بنابراین ظهور امام زمان علیه السلام هم به یاران و هم به شرایط و اوضاع جامعه جهانی بستگی دارد و علاوه بر آنچه گفته شد راز و رمزهای دیگری نیز برای قیام حضرت وجود دارد که خدای دانا از زمان پیدایش آنها با خبر است، هرگاه همه امورات مربوط به آن قیام جهانی جایگاه خویش را بیابند، ظهور نیز محقق خواهد شد. محمد بن مسلم می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: هر کس وقت ظهور را برای تعیین کرد، از تکذیب کردنش باک نداشته باش، زیرا ما برای ظهور وقتی تعیین نمی کنیم.

عطیه جعفری

غم مخور ایام هجران رو به پایان می رود
این خماری از سر ما میگساران می رود
پرده را از روی ماه خویش بالا می زند
غمزه را سر می دهد، غم از دل و جان می رود

ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک فرمان حتمی و قطعی خداوند است و یکی از نوامیس آفرینش بشر است که اگر نباشد، آفرینش بشر، در واقع، به هدف نهایی نمی رسد. خداوند انسان را برای تکامل آفریده است، جامعه ی انسانیت را برای کمال آفریده است اگر با ظلم و جور، این جامعه نابود شود، هدف آفرینش انسان «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» تأمین نشده است. اما این که این قیام جهانی و ظهور حضرت به چه مؤلفه هایی بستگی دارد به یقین قیامی به آن گستردگی فقط به تعداد یاران بستگی ندارد بلکه عوامل و زمینه های دیگری باید وجود داشته باشد تا حضرت ظهور و قیام نماید و عدالت الهی را گسترش داده و جهانی نماید. گفتنی است حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند تا تشکیل حکومت اسلامی جهانی بدهد از این رو ظهور حضرت زمانی به وقوع می پیوندد که چنین زمینه ای هم وجود داشته باشد و اینک آمادگی های لازم را برای ظهور ذکر می کنیم:

۱. آمادگی فکری و فرهنگی: یعنی سطح افکار مردم جهان چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسئله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی» مسئله قابل توجهی در زندگی بشر نیست و تفاوت رنگ ها و زبان ها و سرزمین ها نمی تواند بشر را از هم جدا سازد. قرآن کریم هم شایستگی و صلاحیت را شرط آن انقلاب دانسته است و می فرماید: ما در زبور نوشتیم که بندگان شایسته و صلاحیت دار ما قدرت زمین را به دست می گیرند. پس به یقین حضرت، زمانی ظاهر می شود که سطح افکار مردم بالا باشد.

۲. آمادگی اجتماعی: مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند، تلخی این زندگی مادی و یک بعدی را احساس کنند و حتی از این که ادامه این راه یک بعدی ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند امام صادق علیه السلام فرمودند: تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند حضرت مهدی قیام نمی کند برای اینکه وقتی حکومتش را تشکیل داد کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم.

۳. آمادگی های تکنولوژی و ارتباطی: برخلاف آنچه بعضی می پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، تنها با نابودی تکنولوژی جدید امکان پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال باشد... سپس می افزاید معجزه استثنایی است منطقی در نظام جاری طبیعت، برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی، نه برای اداره همیشگی نظام جامعه.

ماشیح

سپس خانم حسینی رو به آن مردها کردند و گفتند: «ما مسلمونا معتقدیم که در آخرالزمان که دنیا پر از ظلم و ستم میشه مردی از خاندان پیامبرمون ظهور می‌کنه و همه آدمای جهان رو از دست ستمگرا نجات میده که نامش هم محمده. او دنیا رو لبریز از عدالت می‌کنه و با ظلم می‌جنگه.» هنوز سخن خانم تمام نشده بود که آن مرد هندی گفت: «آیا این محمد شما که قراره ظهور کنه همون ویشنوی ما نیست؟»

از او پرسیدم: «ویشنو دیگه کیه؟»
به کتابی که در دستش داشت اشاره کرد و گفت: «همون منجی‌ای که نامش تو کتاب مقدس ما، اوپانیساد، اومده و گفته شده که مانند ستاره دنباله دار می‌درخشه و همه افراد پست رو نابود می‌کنه و طهارت و پاکیزه برقرار می‌سازه و همه آدمای جهانو نجات میده.» بلافاصله بعد از حرفهای او مرد یهودی گفت: «همه آدمای جهان رو نجات میده؟ این ویشنویی که ازش حرف می‌زنی چقدر شبیه ماشیح ماست.»

-ماشیح؟! -

-آره ماشیح، نام او تو این کتاب تلمود که تو دسته اومده، اون هم ناجی همه آدماست.

مرد مسیحی هم که تا آن لحظه ساکت بود، شروع به صحبت کرد و گفت: «اون ناجی‌ای که شما ازش حرف می‌زنین همون مسیح ما هست که! مسیح هم قراره که بیاد و همه رو نجات بده.» بعد از تمام این قضایا خانم حسینی با خنده رو به ما کرد و از نازنین پرسیدند: دخترم آیا جواب سوالت رو پیدا کردی؟»

نازنین: «بله خانم، من تازه الان فهمیدم که ادیان دیگه هم به یک ناجی اعتقاد دارن اما چیزی که خیلی جالبه اینه که هر دینی اسم خاصی برای منجی خود داره.»

خانم حسینی: «بله دخترم کاملاً درست متوجه شدی، اون منجی یک نفر هست، همون منجی‌ای که ما بهش می‌گیم امام زمان، هندو میگه ویشنو، یهود ماشیح و بالاخره همه ادیان حتی اونایی که نماینده حاضری در این جا نداشتن هم به منجی معتقد هستن، بنابراین شاید ادیان دیگه اسم امام زمان رو ندونن ولی مطمئناً همه اونا منجی بشریت رو که همون امام عصر هستن روهم می‌شناسن وهم قبول دارن. خب حالا که جواب سوال نازنین پیدا شد به من بگید ببینم، نمیخوانین گروه نمایشمون رو تشویق کنین؟»

افسانه رضایه

به خاطر دارم که دبیر ادبیات کلاس دهممان، خانم حسینی، ارادت خاصی به امام زمان (عج) داشت؛ برای همین هم همیشه کلاس را با آیه یا شعری مهدوی شروع می‌کرد. آن روز هم طبق معمول کلاس را با آیه ۹ سوره صف شروع کرد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» و سپس به ما گفت که این آیه در مورد جهانی شدن اسلام در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است. هنوز صحبت های خانم حسینی تمام نشده بود که یکی از بچه های کلاس که اتفاقاً رهبری شیطنت های کلاس را برعهده داشت، پرسید: «خانم حسینی شما که میگید قراره اسلام همراه با حکومت امام زمان جهانی بشه، به نظر شما پیروان ادیان دیگه اون حضرت را قبول دارن و حکومتشون رو قبول می‌کنن؟»

خانم حسینی با کمی مکث پاسخ داد: «نازنین من می‌تونم جواب این سوالت رو هفته آینده بدم؟»
نازنین گفت: «خانم باور کنید واقعاً این سوال ذهنم رو درگیر کرده و قصدم تلف کردن وقت کلاس نیست.»

خانم حسینی: «می‌دونم دخترم، برای همینم یک هفته برای جواب دادن به این سوال ازت وقت خواستم. چون می‌دونم که این سوال ذهنت رو درگیر کرده پس باید جوابی قانع کننده به تو بدم.»
نازنین: «باشه خانم، پس من تا هفته آینده برای گرفتن جوابم صبر می‌کنم.»

خانم حسینی: «بسیار خب، ممنونم.»

یک هفته گذشت و نوبت به کلاس ادبیات رسید آن روز ما در کلاس منتظر آمدن خانم حسینی نشسته بودیم، بالاخره خانم حسینی با تأخیر چند دقیقه ای وارد کلاس شد و بعد از سلام و احوالپرسی به ما گفت که همگی به حیاط مدرسه برویم. همگی از این حرف خوشحال شدیم اما بعد از اینکه خانم حسینی گفت چند تا مهمان در حیاط منتظر ما هستند خوشحالی‌مان با حس تعجب و البته کنجکاوی عجین شد و همین حس کنجکاوی بود که ما را شتابان تا حیاط مدرسه پیش برد. وقتی به حیاط رسیدیم، همگی جا خوردیم و حس کردیم که در ایران نیستیم چرا که چندین مرد با ظاهری کاملاً متفاوت در حیاط ایستاده بودند و به نظر نمی‌رسید که ایرانی باشند. یکی از آنها مانند هندی‌ها لباس پوشیده بود، دیگری کلاهی شبیه به یهودی‌ها به سر داشت و بالاخره مردی دیگر هم از صلیبی که به گردن داشت، معلوم بود که مسیحی است و البته هر کدام هم کتابی قطور در دست داشتند. همه ما با تعجب به آنها نگاه می‌کردیم که ناگهان خانم حسینی رو به ما گفت: «همون طور که شاید خودتونم حدس زده باشین اینها نماینده‌های ادیان مختلف هستن که من به کلاس دعوتشون کردم. اما حالا من می‌خوام سوال نازنین رو که هفته قبل مطرح کرد، جوابش رواز این نماینده‌ها بپرسم.»

فروغ عالم تاب

سرش نماز می گزارد.» و همچنین در روایتی دیگر از امام رضا(ع) و رسول اکرم(ص) داریم.

خداوند در شب معراج فرمود:... و به درستی زمین را به وسیله واپسین (امامان معصوم (ع)) از دشمنانم پاک خواهم ساخت و تمام گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد...

در ادامه به چند مورد از ویژگی های حکومت مهدی موعود(عج) می پردازیم:

۱. قانون گذار در این حکومت خداوند متعال است؛ بنابراین جامعه از هر گونه خطا و ناعدالتی به دور است.

۲. در این حکومت راه رشد و تعالی برای جامعه بشری فراهم می شود و دیگر زورگویی و ستم به دیگران معنایی نخواهد داشت.

۳. محور تمامی قوانین بر اساس فضیلت های اخلاقی می باشد.

۴. در حکومت جهانی حضرت مهدی از عقول بشری به طور صحیح و کامل در همه موارد استفاده خواهد شد.

در برخی از آیات قرآن به نوعی به این حاکمیت اشاره شده است. البته آیات مربوط به جهانی بودن دین اسلام نیز مؤید آن است؛ زیرا این وعده الهی هنوز به طور کامل تحقق نیافته است و بی تردید باید زمانی تحقق یابد. در نهایت اسلام، به عنوان تنها دین حق الهی و کامل و دارای شریعت جامع، مقبول همگان خواهد شد. امید است با ظهور منجی عالم این حکومت جهانی برپا شود و عدل و داد دنیا را فراگیرد.

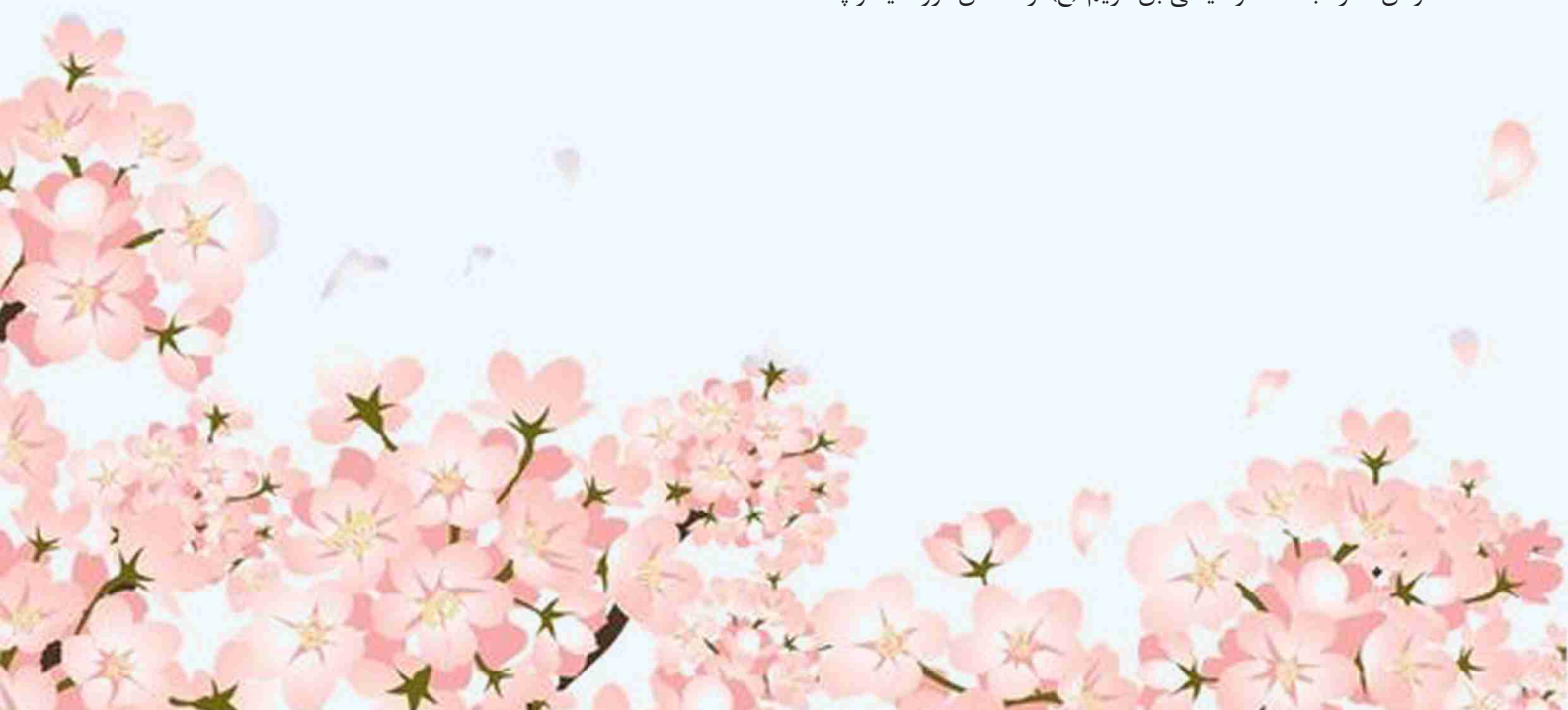
حکومت حضرت مهدی، حکومتی جهانی و فراگیر است؛ به طوری که پس از ظهور مهدی موعود تمام افراد با هر دین و مذهبی به یگانگی خداوند اقرار کرده و پیرو امام زمان خود می شوند. حضرت مهدی، آرمان مدینه فاضله را در جامعه محقق می سازد و اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را یکسره دگرگون می کند. نهاد حکومتی حضرت مهدی کامل ترین حکومتی است که می توان در زمین برپا کرد. در رأس این حکومت امام معصوم قرار دارد که از هرگونه گناه و معصیت به دور است؛ همچنین کسانی آن حضرت را در امر حکومت یاری می کنند که دارای صفات اخلاقی پسندیده هستند و شخصی مانند حضرت عیسی برای تشکیل کابینه پا پیش می نهد که خود از پیامبران خداوند است.

تمامی این موارد شایستگی این حکومت فراگیر را نشان می دهد؛ حکومتی که برپایی آن از شرق تا غرب عالم را فرا می گیرد. رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: «پیشوایان پس از من دوازده نفرند، نخستین آن ها تو هستی ای علی واپسین آن ها قائم است؛ او که خداوند با دستانش تمام کره زمین را فتح خواهد کرد.»

از دستاوردهای این حکومت می توان به امنیت در سراسر جهان، آبادانی جهان و تکمیل مکارم اخلاقی در میان انسان ها نیز اشاره کرد. محرومان و مستضعفان در این حکومت، برخلاف دیگر حکومت های جاری در زمین جایگاه رفیعی پیدا می کنند و ارزش انسان ها بر اساس تقوا و پرهیزکاری مشخص می شود. حضرت مهدی تمام آموزه های دینی پیامبران که به مرور زمان به فراموشی سپرده شده را باری دیگر در میان مردم جاری می سازند. ایشان با تمامی ستمگران و دشمنان اسلام مبارزه خواهند کرد و عدالت را در تمامی جهان برقرار می سازند.

امام باقر (ع) می فرماید: «قائم ما با در انداختن بیم و هراس در دل ستمگران یاری می شود. با پشتیبانی و حمایت از جانب خداوند تأیید می گردد. زمین برایش خاضع و تسلیم می شود. گنج ها و خزائن برایش آشکار و نمایان می شود. حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او دینش را بر تمام ادیان چیرگی می بخشد، هر چند مشرکان که کراهت داشته باشند. در زمین خرابی و ویرانی نمی ماند مگر آنکه او آن ها را آباد کند و عیسی بن مریم (ع) از آسمان فرود آید و پشت

نگارآخوندزاده



حجت نور

اعتقاد به ضرورت وجود امام، با دلیل علمی و عقلی که همراه او است هر چه تمام تر پیش رفته و می رود و روز به روز در جامعه درخشان تر می شود، اما از آن جایی که در هیچ اصلی از اصول، و هیچ امری از امور در طول تاریخ بلامنازع نبوده، و در گوشه و کنار جهان مورد نقد و بررسی قرار گرفته، این اصل اعتقادی شیعیان نیز از چنین آسیبی محفوظ نمانده. برای این که مسئله ضرورت وجود مقدس امام بر همگان روشن شود توجه دقیق نسبت به جهان هستی لازم است.

خداوند از باب قاعده لطف بر بندگان خود منت گذاشته و با ارسال رسل و انتخاب امام در زمین به عنوان حجت خود هم باعث هدایت انسان ها می شود و همین این که در روز قیامت انسان ها بهانه ای برای ضلالت خود نداشته باشند.

پیوند این مجموعه ها با هسته مرکزی، پیوندی محکم و لاینفک است تا جایی که اگر لحظه ای به اندازه یک چشم بر هم زدن این ارتباط قطع شود آن مجموعه ها به فنا و نابودی خواهند رفت.

همیشه در جهان انسان ها یک انسان کامل وجود دارد، و باید هم وجود داشته باشد تا کسانی که کامل نیستند در پرتو وجود او به حیات خود ادامه داده و چنگ به دامن او بزنند و در سایه الطاف او زندگی نمایند. این انسان کامل به شهادت تاریخ همیشه بوده و بعد از این هم تا جهان باقی است خواهد بود ابو حمزه ثمالی از امام صادق (علیه السلام) می پرسد: «آیا زمین بدون امام می ماند؟» فرمود: «اگر زمین ساعتی بدون امام باشد فرو می ریزد.»

این قاطعیت تا آن جایی است که حضرت ضرورت وجود امام را محکم تر می کند و می فرماید: «اگر مردم زمین تنها دو نفر باشد قطعاً یکی از آن دو امام است.» سپس فرمود: «آخرین کسی که بمیرد امام است، تا کسی بر خدای عزوجل اعتراض نکند که او را بدون حجت و امام واگذاشته است.» خداوند از باب قاعده لطف بر بندگان خود منت گذاشته و با ارسال رسل و انتخاب امام در زمین به عنوان حجت خود هم باعث هدایت انسان ها می شود، و همین این که در روز قیامت انسان ها بهانه ای برای ضلالت خود نداشته باشند. مسئله ضرورت امام در سخن امام رضا (علیه السلام) در نوع خود بی نظیر و گران بها است چرا که امام فرمود: «لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا» یعنی: «اگر به مقدار یک چشم بر هم زدن زمین خالی از حجت باشد همه مردم نابود می شوند.»

جان عالم وابسته به این رابطه و هسته مرکزی است. امام واسطه بین خدا و خلق است، او واسطه فیض الهی است. امام ریسمان الهی است که انسان ها باید به آن چنگ بزنند تا از فنا

و نابودی در امان باشند.

حال سؤالی ممکن است پیش آید که چرا خداوند باید امام را واسطه بین خود و مخلوقات قرار دهد تا از ضرورت وجود امام بحث صورت بگیرد، مگر این که خدا نمی تواند خود مستقیم بر انسان ها حاکم و حجت باشد؟

پاسخ مختصری در این باره وجود دارد، و آن این که خداوند بر این امر قادر است؛

اما در عین قدرت و توانایی، مشیت و اراده او این است که همه چیز را از طریق وسیله و واسطه انجام دهد. ارسال رسل نمود و امامان معصوم را خلیفه و حجت خود بر روی زمین قرار داد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «

خداوند خودداری و امتناع فرموده که کارهای را بدون اسباب فراهم آورد، سپس برای هر چیزی سبب و وسیله ای قرار داد. و برای هر سببی شرح و گشایشی مقرر داشت و برای هر شرحی نشانه ای گذاشت و برای هر نشانه ای دری گویا نهاد. (آنها پیامبران و ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند) و عارف حقیقی کسی است که این را بشناسد، و نادان حقیقی کسی است که این در را نشناسد.

”خداوند به وسیله امام نعمات خود را بر انسان ها ارزانی داشته و تمام این جهان به برکت آنها دوام و بقا دارد، به واسطه آنها به خلق روزی می رسد و آسمان و زمین استوار مانده. این همان اعتقاد درونی ماست.“ این درب ناطق و گویا رسول خدا و ما هستیم.»

حضرت صاحب الزمان (عج) در کلامی می فرماید: «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ» خداوند به وسیله امام نعمات خود را بر انسان ها ارزانی داشته و تمام این جهان به برکت آنها دوام و بقا دارد، به واسطه آنها به خلق روزی می رسد و آسمان و زمین استوار مانده. این همان اعتقاد درونی ماست.

امام زمان (عج) در جامعه امروزی حجت خداوند بر روی زمین است که انسان ها باید به دور این محور اصلی بچرخند. گرچه امام زمان (عج) در غیبت به سر می برد و دست انسان ها به صورت مستقیم از دامن فیض آن حضرت کوتاه است اما در پرتو وجود مقدس آن امام جهان هستی به بقای خود ادامه می دهد و زمین ساکنانش را در کام خود فرو نمی برد و خداوند به برکت وجود او رشته فیوضاتش را از انسان ها قطع نمی کند و طول غیبت مانع فیض، فیاض نمی شود، چرا که خورشیدی که پشت ابر است، فایده خود را به ساکنان می رساند علاوه بر این که همیشه خورشید پشت ابر نمی ماند.

صهيونيسم

بايد اذعان داشت كه غرب و صهيونيسم هيچ گاه تمايل به حفظ استقلال فرهنگي، سياسي و اقتصادي ايران نداشته و هميشه درصدد بوده اند تا با استفاده از تمامي وسايل مانع تحقق قطعي اين امر شوند؛ زيرا نوع باور و اعتقاد اهل تشيع را - كه همواره چشم به راه رسيدن (موعود منتظر) هستند - رو در رو با اساس و بنياد نظري فرهنگ و تمدن خود مي بينند كه:

آنان نيك دريافته اند كه شيعيان، به جهان معاصر به چشم مدينه فاضله و جهان مطلوب نمي نگرند.

شايد به واسطه همين شناخت از سرزمين و مردم ايران است كه طي يكصد و پنجاه سال اخير، به گونه هاي مختلف سعي در خدشه دار كردن موضوع "انتظار و مهدي منتظر (ع)" كرده اند و با ايجاد فرقه ها و دسته هاي متعدد، اميد به بسط تفرق و تشتت در ميان مسلمانان داشته اند؛ چرا كه اين باور (ظهور منجي موعود) شيعيان را به عنوان جامعه اي معترض در برابر كفر، شرک، نفاق و الحاد معرفي كرده است.

نمونه بارز اين اعتراض بزرگ در برابر استكبار، وقوع انقلاب اسلامي به رهبري حضرت امام خميني قدس سره بوده است؛ چرا كه شيعيان همواره در طول همه تاريخ، تابع مكتبي بودند كه جانمايه آن را اعتراض در برابر وضع نامطلوب و تلاش براي بناي وضعي مطلوب تشكيل مي داد و به آنان يادآور مي شد كه: انتظار، بذري است كه در شرايط مناسب، نهال اميدواري، ستيز با استكبار، دوري از فساد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از مظلوم، سرزندگي، دوري از ياس و بالاخره فرمانبرداري از خداوند رحمان را مي پرورد.

قيام مهدي موعود (ع)، بزرگترين حادثه تاريخي بشريت و سرفصل فارق ظلم و باطل از عدل و حق است چنانكه فرمود: (اذا قام القائم) (ع) ذهبت دولة الباطل

هنگامي كه قائم به پا مي خيزد دولت باطل نابود مي شود اين قيام با استناد بر بسياري از اخبار و حوادث مي نمايد كه، از آن ميان تحقق انقلاب اسلامي، و برخاستن مردی از قم را می توان بشارت دهنده قریب الوقوع بودن آن جریان عظیم در عرصه هستی دانست.

(و عجل لنا ظهوره انهم يروونه بعيدا و نريه قريبا) يعني:

(خداوندا در ظهور حضرتش شتاب كن، اگر چه ديگران اين امر را دور مي دانند اما ما آن را نزديك مي دانيم).
اين مطلب در كنار اين كلام محكم:
(من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية)
يعني:

(كسي كه بميرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلي از دنيا رفته است). ما را متذكر اين مي سازد كه عدم معرفت درباره آن حضرت ما را دچار غبنی بزرگ خواهد كرد؛ غبنی كه تا مغز استخوان را می سوزاند و دل را می لرزاند. از آن مهم تر غم فقدان آمادگی جسمی و روحی بسياري از مسلمانان در سرتاسر عالم است كه در ميانه زنجير طغيان گران و سلاطين خودكامه، زمين گير مانده اند.

بديهي است كه ايجاد آمادگي منوط به شناختي ژرف درباره دين، تاريخ، روايات و اخبار مربوط به ظهور و حكمت ازمنه است؛ مجموعه اي كه زمينه هايي قوي در مخاطبان به وجود مي آورد و عامل ايجاد شور و نشاط جهت آماده شدن در عصر غيبت و آخرالزمان مي شود. عجب نيست كه بسياري از مسلمين و حتي شيعيان در مقابل اين حوادث بزرگ و دشمناني كه تحت لوای يهوديت صهيونيستي و استكبار جهاني كمر به نابودي مسلمين بسته اند معرفتي اندك و اجمالي از حضرت صاحب الامر (ع) دارند و گاه موضوع ظهور را مترادف با وقوع قيامت كبري مي پندارند و از آن در هراسند. علي رغم آن كه نزديك به شش هزار روايت در اين باره از معصومين (ع) وارد شده است و در واقع بايد گفت:

(شيعيان درباره جانمايه بقا و دوامشان و سر اعتقاد و باورشان يعني موضوع ولايت، امامت و حجت نيازمند مطالعه و خوراك فكري و فرهنگي هستند).

علي ميكائيل

گمشته

دلماں در دل مشغولی‌های زمین و زمان گم می‌شود وعهد صبحگاهمان را به دست فراموشی روزگار می‌سپاریم و زود دیر می‌شود و دیگر دنیا پرونده اش را برایمان می‌بندد چه خوب باشیم وچه بد در دفتر قرن عالم می‌نویسند چه کردیم، تو مارا یاری کن تا شرمنده چشمان نگران برای اهل زمانه نباشیم و برای لحظه آمدنت دعای فرج را می‌خوانیم ای مهربان، تو هم برای فرج ما دعا کن که چشم‌های جهان گریان است ولبریزاستجابت دعا، یا سامع الشکایا، جهان با ویروس کوچک به ناچیز بودنش پی برده است روی تعظیم ندارد وگرنه حال ناخوشش عالم به عالم پیچیده است دیگر نمی‌تواند انکار کند. ای وارث قلب های زهرایی اگر بیایی چشم گریان جهان روشن به قدومت می‌شود و اگر آمدی ما نبودیم عهد را برایمان معنی کن که اگر لیاقت یارت بودن را داشته باشیم لحظه ای که مرگ چشمانمان را به لحظه آمدنت مجال ندهد صدای انا بقیة الله تو، خاک را با تمام دل سردیش اجازه ماندن بر سربازرا نمی‌دهد. انشاالله

وقتی پای دلماں به دیار همسایه‌ای حاضر راهی شد بیشتر قلبمان برای صحیفه واژه ربنا عجل لنا یوم الظهورتپید، اماگاهی آنقدر در تلاطم زندگی رنگ گناه گرفتیم که چشمان پل صراط تورا، فراموش کردیم، وای بر روزی که از چشمان نازنینت بیفتیم راه دوباره رسیدن به تورا گم کنیم و میان ما و تو به اندازه ذره‌ای فاصله بیفتد دستمان از تمنای یادت جدا شود، می‌ترسیم کوچه‌های بی چراغ دنیا ما را به تاریک ترین نقطه زمین برساند و آینه نگاهمان، بی تماشای تو تیره شود و مبدا نخواهی ما را رهایمان کنی و سلام آغازین حقیر ما را به امضایت سبز نکنی، ای واسطه آگاه، تنها راه نجات درماندگی رفتن به راه آرامش است و دیدارجمکران کوی آرامش، آقای من اگر قیامت هم شود، بودند در قلب، احیای درد هاست، مرهمی می‌شود تا دل را ببرد به سمت دوردست های آشنایی وروشنایی! می‌برد تا زیباترین افق هستی و پیوندت می‌دهد با ستاره مهربانی که چشم به راه آزادی ما از بستر خاک اند، تا نگاهمان را برای لحظه شیرین انتظار آشتی دهیم گام هایمان را برای قبل از آمدنت ولحظه وصال نذر کنیم و منتظر واقعی بمانیم تا بیایی، ای واسطه به درگاه خدای سریع الرضا، به حق آقا امام رضا(ع)، ببخش گاهی

فاطمه زارعی



اومے بید

شیفت کیبورد مغزم را زده باشند، تمام چیزهایی که از امام زمانم شنیده بودم ناگهان از ناهشیار ذهنم به هشیاری کامل رسیدند؛ معلم دینی دبیرستان می گفت: «امام زمان از پدر به ما مهربان تر است.» من هیچوقت کاری که پدرم را ناراحت کند انجام نمی دادم، ولی مهربان تر از پدرم را بارها و بارها از خود رنجانده ام! این فکر زمانی بیشتر آزارم داد که تصویر روحانی جوانی که در تلویزیون می گفت امام زمان بخاطر گناهان ما اشک می ریزد و استغفار می کند، در ذهنم آمد. در آن زمان شبکه تلویزیونی را عوض کرده بودم و زیر لب گفته بودم «همین خوش باوری مردم شما را به اینجا رسانده.» نمی دانم بار گناهان بود که دلم را سخت کرده بود یا از ترس عذاب وجدان بعد از پذیرفتن این جمله تصمیم گرفته بودم ادامه را نشنوم؛ هرچه بود مخدر بی خاصیتی بیش نبود. تحقیق کردم و خواندم و شنیدم و فکر کردم. امروز، امام زمانم بهترین دوست من است. کسی که مثل من یک انسان است و بدون هیچ قضاوتی مرا می نگرد و دوستم دارد. دوستی که گرچه نمی بینمش، ولی در هر شرایطی کنارم حضور دارد و بیشتر از هر انسان دیگری برای رسیدنم به مقصود حقیقی که قرب الی الله است یاری ام می کند

وہ کہ چہ شیرین است این دوستی با پدر امت

بنت الحسین

در دنیای کوچک خودم غرق بودم و چیزی در این دنیا نمی دیدم جز زندگی روزمره و خوردن و خوابیدن و فضای مجازی اش. نمی دانستم چرا مسلمان در این زمین خاکی پا گذاشته ام و چرا مسلمان ماندم؛ چرا شیعه هستم و چرا باید شیعه بمانم؛ و هزار چرای دیگری که نه تنها نمی دانستم، حتی فکرش را هم نمی کردم که باید بدانم... امام دوازدهم را در حد آن شعر دوران کودکی «دوازدهم زنده ولی غایب است ظهور کند زمانی روشن کند جهانی» می شناختم، و حال که فکرش را می کنم می فهمم دچار چه خسران عظیمی بودم! در خیابان، روزی دیدم روی دیواری نوشته شده بود: «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه:» ما از اخبار و اوضاع شما شیعیان کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی ماند.» لحظه ای انگار زمان متوقف شد؛ زمین زیر پایم را دیگر حس نمی کردم... یعنی امام زمانی که از کودکی شنیده بودم نجات دهنده دنیا از سختی ها و ستمگری هاست، همانی که سهم من از اعتقاد به او تنها پذیرفتن این مسئله بود و زنده بودن و بازگشتش بین ما، تمام کارهایم را می دید؟ آیا واقعا تمام فکرهایم را می خواند؟ هرکار اشتباهی که انجام دادم یا در فکرش بودم و و... با این افکار دنیا دور سرم چرخید. همیشه شنیده بودم و می دانستم که عالم محضر خداست، اما این که بدانی یک انسان مثل خودت، که قرار است روزی با شمایی مثل دیگر انسان ها به میان اجتماع بشریت برگردد و مثل دیگران زندگی کند، از تمام اعمال و افکارت خبر دارد، خیلی فرق دارد... حداقل برای من! انگار که دکمه



سیاه شب

دل سیاه من چرا پر از خیال غیر تو؟
نگاه من چرا دمی نبوده از برای تو؟

زبان من پر از دروغ و افترا و غیبت است
شنیده های من چرا نبوده از نوای تو؟

دل سیاه من پر از نبودن شما شده
چگونه اعتجال را دعا کنم برای تو؟

ولی قسم به حق که دل، هنوز پر ز مهر تو
روح پر از گناه من منتظر دعای تو

امید با تو بودم دوباره جان گرفته است
اگر مرا دعا کنی چرا که نه فدای تو

سحر شده امام من دوباره عهد میکنم
تمام روح و قلب من فقط پر از وفای تو

عطیه سراجی

صاحب امتیاز:
کانون مهدویت دانشگاه اراک
مدیر مسئول:
محمد مهدی سلیمانی
سر دبیر و طراح:
کوثر سلیمی
ویراستار:
سارا بندی